



## پیوند امنیت با ارزشها و سنتهای جامعه/ مدرنیته به حضور عقلانیت در سنت پی برده است

یک پژوهشگر حوزه جامعه شناسی با تأکید بر پیوند امنیت انسانی و اجتماعی هر جامعه با ارزشها و سنتهای آن تصریح کرد: هنگامی که سنتها و ارزشها وجهه‌ای اجتماعی می‌یابند...

یک پژوهشگر حوزه جامعه شناسی با تأکید بر پیوند امنیت انسانی و اجتماعی هر جامعه با ارزشها و سنتهای آن تصریح کرد: هنگامی که سنتها و ارزشها وجهه‌ای اجتماعی می‌یابند، می‌توانند در نقش عاملی وحدت بخش ایفای نقش کنند و موجب دوام و قوام روابط انسانی گردند. تنها در بستر مشترک است که افراد می‌توانند احساس امنیت داشته و به دیگران اعتماد کنند. به گزارش خبرنگار مهر، از بین رفتن سنتها و ارزشهای گذشته در حال حاضر به عنوان تهدیدی برای جامعه انسانی محسوب می‌شود، به گونه ای که سازمان ملل در سالهای اخیر این موضوع را تهدیدی برای امنیت انسانی و جوامع انسانی به شمار آورده است.

در این باره رضوان قصابیان از کارشناسان حوزه جامعه شناسی در خصوص مفهوم امنیت به خبرنگار مهر گفت: تعاریف متعددی از امنیت انسانی شده است. تعاریفی که به سبب عدم اجماع در خصوص ماهیت این مفهوم بعضاً با هم در تقابل قرار می‌گیرند. با این حال من این تعریف از دومینیک داوید را برای بیان منظوم از امنیت مناسب می‌دانم. «ایجاد فضایی که در آن فرد یا جمعی خودشان را در وضعیت آسیب پذیر احساس نمی‌کنند و تهدید متوجه آنها نیست و فقط ابزار رفع تهدید در اختیار آنها قرار می‌گیرد».

وی افزود: امنیت ابعاد و جوانب متعددی دارد. امروز ما از امنیت فردی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، انسانی و ... سخن می‌گوییم که به نظر همگی ابعاد مختلف پدیده‌ای فراگیرند. اگر به نظریه نیازهای مزلو نگاهی بیندازیم در خواهیم یافت نیاز به امنیت یکی از پایه‌ای‌ترین نیازهای بشری است. بزعم آبراهام مزلو چنانچه نیازهای اولیه فیزیولوژیک نظیر غذا، آب، پوشاک و سرپناه فراهم شود نخستین چیزی که بشر بدان نیازمند است «امنیت» نام دارد. امنیت نیاز به رهایی از وحشت، تأمین جانی و عدم محرومیت از نیازهای اساسی است؛ به عبارت دیگر نیاز به حفاظت از خود در زمان حال و آینده را شامل می‌شود.

وی یادآور شد: امنیت که ریشه در روان آدمی داشته و از پایه و مایه ذهنی و روانی برمی‌خیزد، چنانچه تامین نشود مایه بروز اختلالات روانی شدید و به دنبال آن رفتارهای ناهنجار اجتماعی خواهد شد. از این حیث یکی از پیش نیازهای انسان سالم و به لحاظ روانی و اجتماعی بهنجار، انسانی است که دست کم احساس ناامنی دائم در او وجود نداشته باشد. احساس امنیت می‌تواند در سطوح بالاتر به حس اعتماد به خود و دیگران بینجامد و مبنای توسعه سرمایه اجتماعی باشد. سرمایه‌ای که دوام و قوام روابط اجتماعی است و همچون نیرویی انسجام بخش در جامعه عمل می‌کند.

قصابیان تصریح کرد: از نقشها و کارویژه‌های امنیت که بگذریم باید دانست امنیت نیز مانند هر پدیده دیگر معلول عامل یا زنجیره‌ای از عوامل است. یکی از این عوامل می‌تواند سنتها و ارزشهای گذشته باشد. انسان امروز در روزگاری به سر می‌برد که از آن با نام مدرنیته یاد می‌کنند. دنیای مدرن با هدف عقلانی شدن روزافزون و راززدایی از عالم متولد شد و برای توسعه نظام اندیشه‌ای خود پاره‌ای از نهادها و زیرساخت‌های عقلانی را بنیان نهاد که همگی سعی در افزایش دقت، سرعت، کنترل و بهره‌وری دارند. بدین ترتیب دست کم در مدرنیته نوظهور عقلانیت بهترین و شاید تنها راه وصول به حقیقت معرفی شد و در این راه هر آنچه جز آن باشد اعم از سنت، عواطف و احساسات به کنار رانده شد.

وی افزود: انسان مدرن سرمست یافتن کلید رهایی از هر گونه مساله بنیادین بشری به نفی گذشته خود دست زد. عجیب نبود که در این دوران از نیروهای رقیب یعنی سنتها و ارزشهای معطوف به گذشته به میزان زیادی کاسته شد و عقل، معمار یکه تاز عرصه کنش در ساخت جهان انسانی گردید. با این حال رفته رفته انسان مدرن علیرغم امکانات و توانایی‌هایی که عقلانیت مدرن برای او فراهم کرده است دریافت که این طور نبوده که این عقلانیت محض همیشه برایش خیر و جلال به ارمغان آورد. بروز بیکاری شدید، جنگ‌های خونین و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، بحران محیط زیست، عمیق‌تر شدن شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی، کنترل فزاینده و کاهش آزادی‌ها به سبب رشد تکنولوژی و بسیاری از مشکلات دیگر پدیده‌ای بود که به جهت دل سپردن به عقل کم مایه و کوتاه بین ابزاری حاصل شده بود. از این حیث روشنفکران و اندیشمندان بسیاری در نقد عقل ابزاری و منفعت طلب نظریه‌پردازی نموده و به مذمت آن پرداخته‌اند. در اینجا است که از سوی برخی از این افراد بدیل‌هایی عقلانی از نوع عقل ذاتی یا ارزشی جایگزین عقل ابزاری گردید. بدین ترتیب زمین پس آن دسته از رفتارهای عقلانی ملاک عمل قرار گرفت که از بن مایه‌های ارزشی سرچشمه گرفته و با ارزش‌های عام و جهان شمول بشری همخوانی داشته‌اند.

این پژوهشگر جامعه‌شناسی تصریح کرد: در این بین نقش ارزش‌های گذشته که در بستر سنت و یا مذاهب شکل گرفته‌اند پررنگ می‌شود. ارزش‌ها، باورها و اعتقادات عمیق نسبت به امور خوب و بد یا درست و نادرست هستند. گاهی به اشتباه این طور پنداشته می‌شود که سنت عاری از هر گونه بن‌مایه عقلانی است. بی‌تردید عقلانیت یکی از مشخصه‌های اصلی بشر است و این طور نیست که تنها مختص انسان امروز باشد. در گذشته نیز انسان‌ها برای مواجهه با مشکلات و مسائل پیش رو از عقل بهره‌م‌برده‌اند و با استفاده از این توانایی کنترل محیط برای آنها میسر می‌گشت.

وی افزود: سنت‌ها و رسوم عموماً تکرار اعمالی تلقی می‌شوند که گمان می‌رود به خوبی توانسته‌اند بر مسائل فائق آیند. از این حیث شکل‌گیری سنت‌ها عمدتاً پایه عقلانی داشته و مکانیزم عمل مناسبی را عرضه می‌دارد. با مطالعه تاریخ سنت‌ها در خواهیم یافت به واقع آنها تجربه هزاران ساله بشر در مواجهه با پدیده‌های طبیعی و اجتماعی بوده‌اند و نادیده گرفتن آن به معنای چشم‌پوشی از تمامی داشته‌های بشری است. چیزی که با عقلانیت انسان مدرن در تضاد است! بی‌تردید انسان مدرن نیز همانند نیاکان خود نخواهد توانست در خصوص همه پدیده‌های عالم به دقت بیندیشد و برای هر آنچه در مسیر زندگی برای او رخ می‌دهد راه حلی نو در آستین داشته باشد. از این حیث در مسیر کنش حضور الگوهای ارائه شده از سوی گذشتگان، نخستین انتخاب‌های او خواهند بود.

قصابیان تأکید کرد: البته نباید فراموش کرد که لزوماً همه سنت‌ها و ارزش‌های کهن منطقی و درست نیستند. ناسیونالیسم قومی و افراط‌گرایی فرقه‌ای تاکیدات بشر بر بخشی از این سنت‌ها یا ارزش‌های معطوف به گذشته‌اند که برای او رنج‌های زیادی رقم زده‌اند. چه بسیار سنت‌ها و ارزش‌هایی که ریشه عقلانی و اخلاقی نداشته و یا از کارکرد اولیه تهی شده‌اند. از این حیث در موقعیت کنش باید با تکیه بر برخی ابزارهای عقلانی و فراعقلانی به‌گزینش سنت‌ها و ارزش‌های گذشته دست زد و از بهترین آنها بهره برد.

وی با بیان اینکه برخی از نظریه‌پردازان عرصه دین معتقدند یکی از کارکردهای دین معنابخشی است، افزود: از نظر بینگر، دین شناس بزرگ معاصر، امروزه برخلاف آنچه که تصور می‌شد، به وضوح می‌توان ناکارآمدی و ناتوانی علم تجربی در پاسخگویی به مسائل اساسی بشری را مشاهده کرد. لذا دین که برای کاهش اضطراب و حل مسائل معناشناختی بشر آمده است عامل اصلی خلق ارزش‌ها و هنجارهای عملی برای معنایابی است. سنت‌ها و ارزش‌های دیگر اعم از دینی و غیر دینی نیز دقیقاً از همین منطق پیروی می‌کنند و با معنا کردن زمینه کنش، مانع از آشفتنگی ذهنی، احساس اضطراب و نگرانی مداوم در موقعیت‌های مختلف عملی می‌شوند. وجود الگو به کنشگر امکان می‌دهد تا در موقعیت کنش، خود را بی‌دفاع و درمانده نیابد و دست کم راهکارهایی چند که حاصل تجربه هزاران سال گذشته بشر است برای مواجهه با مساله در پیش روی داشته باشد. چنانچه گفته شد این امر مانع از اضطراب و ناامنی روانی فرد در مواجهه با مسائل می‌گردد؛ احساس سرگشتگی و بی‌معنایی که یکی از دغدغه‌های انسان معاصر است.

این کارشناس حوزه جامعه‌شناسی در پایان یادآور شد: از سوی دیگر هنگامی که سنت‌ها و ارزش‌ها وجهه‌ای اجتماعی می‌یابند، می‌توانند در نقش عاملی وحدت بخش ایفای نقش کنند و موجب دوام و قوام روابط انسانی گردند. وجود الگوهای عمل مشترک امکان تعامل پیش‌بینی شده را افزایش می‌دهد. تنها در بستر مشترک است که افراد می‌توانند احساس امنیت داشته و به دیگران اعتماد کنند. هر چه نظام شبکه‌های اجتماعی در جامعه به ارزش‌های مشترک پایبندتر باشند، میزان اعتماد اجتماعی افراد به نظام بیشتر خواهد بود. چنانچه افراد در مواجهه با امور مشخص، رفتارهای ثابت و مورد انتظار مطابق با ارزش‌های مشترک بیشتری را دریافت کنند، می‌توان انتظار داشت که به نظام روابط اجتماعی موجود اعتماد بیشتری کرده و در نتیجه در زیر سایه این چتر امنیتی مشارکت فعال‌تری داشته باشند.